



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن
The Organization for Emancipation of Women

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

سردبیر: مینو همتی

Email: shararehrezaei.p@googlemail.com
Managing editor: Sharareh Rezaei

مدیرمسئول: شراره رضایی

3rd Series, Issue 12

نشریه:

سری سوم، شماره 12
April 2013

عناوین

پیام نوروزی
مینو همتی 1

پیام نوروزی
شراره رضایی 1

کنفرانس آزادی و رهایی جامعه،
جای حق زن خالی،
رعنا کریم زاده 2

گزارشگر تلویزیون رهایی زن -
استکهلم، سوئد 8 مارس همراه
با عکس ها
زبار همت 3-4-5

گزارش از برگزاری 8 مارس
گوتنبرگ سوئد همراه با عکس
ها
نشیمیل فتاحی 6-7-8

گزارشی از برگزاری 8 مارس روز
جهانی زن در آلمان-شتوتگارت
همراه با متن سخنرانی و عکس
ها
شراره رضایی 8-9-10

گزارشی از برگزاری 8 مارس روز
جهانی زن در آلمان-کلن همراه
با متن سخنرانی و عکس ها
شراره رضایی 11-12

دو مقاله: "مرد و زن ایرانی" و
"فرار از مذهب در ایران"
اعظم رضایی 13-14

دو مقاله: "جایگاه زن در
جمهوری اسلامی" و "بردگی
جنسی یا بردگی زن در ایران"
شیرین شکر زاده 15-16

گزارشی از کنفرانس "خاتمه
دادن به ختنه دختران"
نظیره معمار 17-18

ستون خبری
19

اطلاعات مربوط به نمایندگان و
تماس با سازمان رهایی زن
20

پیام نوروزی

بهاران خجسته باد



دگربار، زمستان طبیعت شکست و رفت،
نوید بهاران با شکفتن گلهای فصلی نو،
نشاط و شادی کودکان در کوی و برزن را
به ارمغان میآورد. از طرف خود و
همکارانم فرا رسیدن نوروز را به شما
بینندگان عزیز تبریک میگویم و روزهای
خوشی را برایتان آرزو دارم.

امیدوارم تمامی انسانهای شریف و
دریند نیز، زمستان اسارتشان بشکند و
بهاران را در کنار خانواده هایشان
بسربرند. به امید روزی که از ظلم آثاری
نباشد.

سازمان رهایی زن

مینو همتی

بهار آغازی دوباره،

از نو جوانه زدن؛ از نو شکفتن؛ از نو زیستن؛

9

در برابر باد و باران و تگرگ ایستادن و تسلیم نشدن

سال نو بر همگان مبارک باد

شراره رضایی

توجه: نظر به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، از این شماره مبادرت به گشودن "ستون تریبون آزاد" نموده و اینگونه نظرات را در این ستون منتشر کرده و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم که در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

با سپاس مینو همتی

کنفرانس آزادی و رهایی جامعه؛ جای حق زن خالی،



توسط سازمان رهایی زن استکهلم با موفقیت برگزار گردید. در کنفرانس مباحثی ارزشمند توسط پالنیست ها ارائه شد. مینو همتی دبیر سازمان سراسری رهایی زن که میهمان ویژه کنفرانس از امریکا بودند، وضعیت زنان در جوامع شرقی و بخصوص وضعیت امروز زنان کشورهای مصر و تونس را مورد بررسی قرار دادند. ثریا شهابی دیگر میهمان کنفرانس از انگلیس با نگاهی انتقادی چگونگی برخورد اپووسیون رژیم شاه در انقلاب 57 و همچنین مطالبات و دستاوردهای زنان بعد از انقلاب را مورد بحث قرار دادند و ازین راستا قیام مردم کشورهای خاورمیانه موسوم به بهار عربی و حقوق زنان در این گذار را، از منظر چپ به بحث گذاشتند.

دیگر میهمان کنفرانس دیانا نامی از کشور انگلیس بودند. ایشان با ارائه گزارشی در مورد فعالیتهای سازمان FGM جگونگی پیشبرد کمپین ازدواج اجباری جرم است، تا مرحله تصویب قانونی به همین عنوان و همچنین کمپین مبارزه با خننه دختران و دستاوردهای این کمپین، کنفرانس را در این تجارب شریک کردند. آخرین سخنران رعنا کریم زاده دبیرسازمان رهایی زن استکهلم با مقدمه ای کوتاه در مورد چگونگی سیر مبارزه زنان اروپا مروری به وضعیت خشونت خانگی بر علیه زنان در سوئد داشت.

رهایی جامعه بدون رهایی زن امکان پذیر نیست/.

رعنا کریم زاده
دبیر واحد استکهلم سازمان رهایی زن

* منتخبی از مباحث کنفرانس استکهلم در شماره آتی درج خواهد شد

ژباړهت " گزارشگر تلویزیون رهایی زن - استکهلم. سوئد "

امروز جمعه 8 مارس 2013، استکهلم سوئد، هشت مارس که با مبارزه زنان کارگر کارخانجات نساجی نیویورک در 1875 به بعد به عنوان تاریخ روز جهانی زن رقم خورد، سازمان رهایی زن همراه و هم پا با سازمانها و نهادهای دفاع از حقوق زنان در این مراسم شرکت دارند. با همدیگر به گوشه هایی از این مراسم مینگریم.



دلیل و هدف شما از حضور در این مراسم و این روز چیست ؟

فاطمه محمد نژاد : ما امروز اینجا جمع شده ایم تا به جامعه علیه زن نه بگوئیم، مخصوصاً به خشونت‌های که رژیم جمهوری اسلامی در ایران بر علیه زنان وضع کرده نه بگوئیم و مخالفت خود را اعلام کنیم، علیه خشونت، علیه نابرابری، علیه تبعیض و علیه حجاب اجباری و علیه همه آن خشونت‌هایی که بر زنان ایرانی وارد میشود. امیدوارم روزی برسد که همه زنهای دنیا و مخصوصاً زنان ایران آزادانه بتوانند برای خود در هر زمینه ای از حجاب، از آزادی و از هر کاری که میخواهند انجام دهند تصمیم بگیرند.

حملات زنی (فاطمه فیلی) در حال آتش زدن حجابش به نشانه اعتراض : امروز هشت مارس همه جمع شده ایم برای دفاع از حقوق زنان، من میخواهم حجاب را که مظهر بردگی، خفت و تحقیر است را به آتش بکشم. لعنت بر این خفت و خواری.

لیلا سومند:

من لیلا سومند هستم عضو سازمان پناهندگان بیمارز، امروز در هشت مارس روز جهانی زن اینجا جمع شده ایم، من به عنوان یک زن ایرانی اینجا آمده ام تا فریادم را به گوش جهانیان برسانم، زنانی که در ایران بسیار تحت ستم و ظلم این رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند صدایشان را به گوش جهانیان برسانم که در ایران زنان بسیار تحت ظلم هستند در همه موارد، حتی نمیگذارند زنان خود برای خروج از کشور پاسپورت بگیرند و باید با اجازه ولی فقیه باشد یا اجازه یکی از بزرگترها! مگر چه کنایه کرده ایم؟! ما زنها با مردها برابر هستیم، ما زنها شخصیتی داریم که این آخوندهای لعنتی آن را خورد

یاسین الیاسی:

من عضو سازمان جوانان بیمرز در استکهلم هستم، ما اینجا برای هشت مارس روز جهانی زن جمع شده ایم ما بگوئیم جامعه بدون آزادی و رهایی زن جامعه نمیشود.



سمیرا محمدی:

من سمیرا محمدی هستم و یک مبارز آزادی زنان در سوئد، امروز اینجا هستم چون 8 مارس روز جهانی زن هست و پیشینه آن در واقع حاصل مبارزات زنان آزاده کل دنیاست. من به عنوان یک زن ایرانی اینجا هستم تا مبارزه زنان را، زنان کشورم را برای آزادیشان، برای رسیدن به حقوق واقعیشان بیان کنم. زنان کشور من که همه چیزشان را از دست داده اند و در جایگاه جنس درجه دوم قرار گرفته اند. زنان سرزمین من که سایه مردها هستند و حق آزادی مثل این زنها (اشاره به زنها حاضر در تجمع) را ندارند. من اینجا هستم و به عنوان یک زن ایرانی صدای خودم را با تمام قدرت به دنیا می رسانم و به امید آزادی و برابری می جنگم.

باسپاس فراوان از شاهین کاظمی که علاوه بر فیلمبرداری از مراسم و مصاحبه ها، متن گفتارها را نیز برای نشریه پیاده نمودند.

لینک گزارش کوتبرگ <http://youtu.be/790FcucQ1HA>



باران مصلح:

ما امروز به مناسبت روز جهانی زن اینجا جمع شده ایم برای اعتراض به ظلم و ستمی که به زنها واقع میگردد بخصوص زنها ایران و برای آزادی و کسب حق برابری که تمام زنها دنیا باید داشته باشند اعتراض خودمان را نشان دهیم. مرگ بر جمهوری اسلامی.



فاطمه فیلی :

من فاطمه فیلی هستم وبلاگ نویس و فعال حقوق زنان، امروز هشت مارس بوسیله فراخوانی که از سازمان رهایی زن وارگانهای دیگر داده شده بود اینجا جمع شده ایم برای دفاع از حقوق زنان و اعتراض علیه خشونت بر زنان، ما اینجا جمع شده ایم و به راحتی و با آزادی اعتراض خود را بیان میکنیم در حالیکه در ایران هرگز هیچ زنی حق اعتراض ندارد حتی به کمترین حقوقش، امیدوارم روزی برسد که بتوانیم همراه با زنان آزاده کشورمان ایران این روز را جشن بگیریم. مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر این حکومت کثیف که باعث بردگی زن شده است .

غلامرضا سومند :

من غلامرضا سومند هستم امروز بخاطر روز جهانی زن اینجا حضور پیدا کرده ایم و از اینجا میخواهیم صدای تمام زنهای ایران باشیم، زنانی که در ایران نمیتوانند حق خود را بگیرند و حق و حقوقی را که دارند مانند برابری با مرد را نمیتوانند فریاد بزنند، ما از اینجا به تمامی عواملین جمهوری اسلامی میگوئیم که روزی فرا میرسد که این زنها شما را از قدرت پائین خواهند کشید. مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای.



میترا پورشجری :

با سلام به خدمت شما من میترا پورشجری هستم دختر وبلاگ نویس زندانی "محمد رضا پورشجری" که دو سال ونیم است در زندانهای ایران تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته است، امروز هشت مارس است و ما اینجا آمده ایم تا برابری زن و مرد و آزادی زنان را جشن بگیریم و امیدوارم که سال آینده این جشن در ایران برگزار شود، من بر خلاف میل باطنی ام و به خاطر پدرم که یک وبلاگ نویس است و عقاید و اندیشه های خود را مینوشت ولی متاسفانه اکنون در خطر مرگ است و من هم به خاطر فشارهای رژیم و مسائل امنیتی مجبور به ترک کشورم شدم و اکنون اینجا هستم، امیدوارم صدایم به گوش همه برسد و بتوانیم برای زنان داخل ایران که تحت شکنجه و خشونت و حجاب اجباری هستند کاری انجام بدهیم. با



تشکر از شما.

ژیا رهمت - کانال یک - تلویزیون رهایی زن

لینک گزارش 8 مارس استکهلم:

<http://youtu.be/jNI6LAgRBnI>

گزارش از برگزاری 8 مارس گوتنبرگ-سوئد "نشمیل فتاحی"



باسلام خدمت بینندگان کانال رهایی زن امروز 8 مارس 17 اسفند روزهمستگی سراسرجهان برای همستگی دمکراسی صلح وروز مبارزه علیه نابرابری شکنجه اعدام زندان سنگسار استبداد وانواع ستمگری وبیحقوقی های تحمیل شده از طبقه سرمایه داری به زن ومرد کارگر وتحت ستم است امروز به همین مناسبت در اقسا نقاط جهان جمع کثیری از انسانهای ازادیخواه وبرابری طلب در سطح شهرها میایند وبا انجام مراسمها وگردهمایی برگزاری واین روزها را هرچه باشکوهتر وبا عظمت تر به نمایش میگذارند و ما امروز درگوتنبرگ سوئد بهمراه این انسانهای ازادی خواه وبرابری طلب همگی اینجا تجمع کرده ایم تا با هم یک صدا اعتراض و همبستگی خود مان را به گوش همه جهانیان برسانیم



الهام ترابی:

همانطورکه میدانید امروز 8 مارس است روزجهانی زنانست واین روز را دربیشتنر نقاط دنیا جشن میگیرند واین جشن درصورتی گرفته میشود که هنوزم برابری یکسان و مساوی بین زن و مرد در دنیا رعایت نمیشود همانطور میدانیم هیچوقت جایگاه زن در جوامع شرقی وغربی یکسان نمیشد جوامع شرقی هنوز دستخوش حکومت های دیکتاتوری وضد زن هستند وزن ستیزهستند.

پس ما نمیتوانیم بگویم با برگزاری این چنین مراسمی مشکل زنها حل نمیشود امیدواریم یک روزی برسد که برابری و حقوق تساوی در تمامی دنیا چه شرقی وغرب به اندازه هم اجرا بشود.



فاطمه پرنده: روز زن را به زنان آزادی خواه و برابری طلب تبریک میگویم.



فرزانه مرادی: اگر مردی بیا ایران زن باش نه به بردگی نه به اسارت نه به ناپرابری نه به تجاوز نه به چند همسری مردان نه به اسلام زن ستیز



فاطمه حاجی زاده: امروز جمع شده ایم تا بار دیگر اعتراض خودمان را به گوش جهانیان برسانیم و برای تامین امنیت اجتماعی شخصی و جنسی و سیاسی برای زنان آزادی خواه فریاد بزنیم که اینگونه حق آنها پایمال میشود زن در ایران مثال کالا میماند و از آنها استفاده جنسی میشود و ما در اینجا جمع شده ایم که بار دیگر انزجار خودمان را اعلام کنیم زنده باد 8 مارس روز جهانی زن

شیدا کاشانی: امروز روز 8 مارس ما در اینجا جمع شده ایم که این روز را گرامی بداریم این روز روزی است که از حق زنان دفاع میکنیم که در ایران بر ایشان ظلم میشود زنانی که از حقوق نا برابری برخوردار هستند و زنانی که ازدواج اجباری داشته باشند و در هر قشری کار میکنند و از حقوق نا برابر برخوردار باشند و ترس از تجاوز داشته باشند به امید آزادی ایران عزیزمان امیدواریم که شاهد ایرانی آزاد باشیم سرنگون باد جمهوری اسلامی



دنیا کامکار: میخواستیم بگویم که نمیدانم که فرار است که توی کشور من صلح و ستیز در مورد خانومها پایان بپذیرد نمیدانم کی مردان در کشور من میخواهند به طرح زورگویی خودشان به خانومها حاکم کنند تا بلکه به اهدافشان برسند و بتوانند حرف خودشان را پیش ببرند بیاییم که کسانی که در راس حکومت قرار دارند بگویم که هرگونه تجاوزی که بخواهند به خانومها دارند سیاسی باشند اجتماعی باشند روانی باشند هرگونه تجاوزی که بخواهند به خانومها دارند سیاسی باشند اجتماعی باشند روانی باشند هرگونه که با باطوم و شیشه نوشابه انجام گرفته متاسفانه چرا مگر آخر میشود با حیوان هم چنین کاری نمیکند کخه با یک خانوم اینکار را میکنند این همه ستم این هم ظلم برای زنهای کشور من انجام میشود که چی و بعد دم از اسلام و دین میزنند که زن نجات پیدا کرده و همچنین حجاب پوشش و عفت است و همه چیز را پشت اسلام پنهان میکنند چرا م همیشه طرفدار دین عرب هستند در حالی که اصلا به حقوق اجتماعی یک زن هیچ وقت توجه نشده

شهلا وکیل پور :

با درود بر تمام زنان آزادی خواه، برابر طلب و مبارز جهان من شهلا وکیلی تجربه این روز رو به تمام زنان آزادی خواه و برابر طلب دنیا و بخصوص زنان رنج کشیده ایران و کردستان تبریک عرض می کنم . امروز روز جهانی زن را در حالی برگزار می کنیم که زنان در جامعه مردسالار و همچنین رژیم ایران زیر فشار و سرکوب می باشند امروز ما جمع شده ایم تا صدای در بند زنان را به گوش دنیا برسانیم و گوشه ای از درد و رنج آنها را انعکاس دهیم. ما جمع شده ایم که بگوییم ظلم بر علیه زنان را متوقف کنید ، زنان نیز مانند مردان به همان اندازه در این جهان سهمیه می باشند و حق برابر دارند من بعنوان یک زن آرزو دارم که روزی فرا رسد که زنان ایران و جهان به مطالبات بر حق خود که همانا

آزادی و برابری می باشد برسند و روزی فرا رسد که هیچ زنی بخاطر زن بودنش تحقیر و مورد ظلم و زور و خشونت قرار نگیرد. ما خواهان پایان سرکوب به خصوص سرکوب علیه زنان بوده و آزادی کلیه بازداشت شدگان را در مناطق مختلف کشور چون ، کردستان، تهران و خوزستان و غیره را خواستاریم.

لغو کامل قوانین زن ستیزانه و مردسالارانه که با نادیده گرفتن حقوق حقّه زنان ما را در مرتبه فرودستی قرار میدهد و ما زنان را تا حد یک شهروند درجه چندم پایین می آورد.

تلاش در جهت محو خشونت و به ویژه ممنوعیت هرگونه خشونت علیه زنان در هر دو عرصه عمومی و خصوصی. امروز علی رغم همه اجحافی که بر زنان جامعه ما می رود زنان ما با تجربیات زنده شان در بستر امواج آگاهی و عمل اجتماعی با آگاهی عمیق ، جنبش زنان را برای رسیدن به برابری جنسیتی و تحقق حقوق انسانی رهبری می کنند. امید است زن های جامعه ما به معنای زبان مشترک برای اعتراض در برابر، ناعدالتی جنسیتی - ازهر طیف و گروهی با جدّیت و همگرایی برای رسیدن به آرمان های زنان در ۸ مارس اقدامات مفیدی انجام داده و برای رسیدن به حقوق انسانی خود گام های محکم و استواری بردارند و به طور جدّی به میدان مبارزات علنی و علمی گام بگذارند.

گزارشی از برگزاری 8 مارس روز جهانی زن در آلمان-شتوتگارت " شراره رضایی"**زنده باد 8 مارس، زنده باد آزادی و برابری !**

8 مارس روز اعتراض به نابرابری زن و مرد است. نابرابری ای که بیش از ۴۰ میلیون زن و دختر ایرانی و صدها میلیون زن، در دیگر کشورهای اسلام زده، هر لحظه در زندگیشان لمس می کنند. 34 سال است در مملکت ما ایران، کفایت زن باشی، تا پلیس و آخوند محله با کتاب شرع و قانون اسلامی سراغت بیایند و مدام یادآوری کنند که فراموش نکنی زنی. تا تحقیرت کنند، مورد توهین و آزارت قرار بدهند و در خصوصی ترین زوایای زندگیت از لباس تا آرایش و راه رفتن و معاشرت و دوستی با جنس مخالف دخالت کنند.

به عنوان زن و جنس پست تر از مردان جدایت کنند، نصف مرد و مَلک و ناموس کسی که میتواند کتکت بزند، صیغه و چند همسری را قانون زندگی نیمی از انسانهای جامعه ات کنند و فعالین حقوق زنان تحت پیگرد و فشار پلیسی قرار گرفته و



زندانی شوند، برایشان وثیقه های سنگین تعیین کرده و یا ممنوع الخروج شوند.

در مقابل این توحش و آپارتاید جنسی و مصیبت‌هایش، اعتراض و مخالفت، جزئی از زندگی روزمره زنان جامعه ی ماست. زندگی دو نسل جامعه ما را، کشمکش اجتماعی و انسانی تشکیل داده است که حاکی از افتخار و غرور و در همان حال سرشار از تراژدی انسانی ست.

مقاومت، مبارزه و اعتراض زنان و دختران در خیابان و مدرسه و دانشگاه و در مقابله با گروههای منکرات و حراست مدرسه

و ادارات و کارخانه و با هر چه مظاهر شرعی و ضد زن، وجه افتخار و غرور آمیز زندگی است.

در این جنگ و جدال، زنان و دختران جوان تعقیب و دستگیر و زندانی و شکنجه می شوند، در زندانها مورد تجاوز قرار می گیرند شلاق و اعدام و سنگسار، تهدیدشان می کند. و این وجه ی تراژدی انسانی این زندگی ست.

در این مملکت برای هر چیز ولو کوچک باید جنگید. برای نان، برای آزادی بیان، برای شادی، برای حفظ حرمت انسانی، حتی برای لباس پوشیدن آزادانه، برای آتش روشن کردن و شادی چهارشنبه سوری، برای جشن سال نو، آرایش کردن، رقص و آواز خواندن باید جنگید. و در این جنگ و جدال اجتماعی دختران جوان با پافشاری کم نظیری بر علیه حجاب اسلامی غلبه کرده اند. بسیاری از قوانین شرعی و اسلامی در عمل از طرف زنان و دختران جوان زیر پا نهاده شده اند. پسران و دختران، مرزهای مذهب و شریعت را در هم شکسته و رابطه آزاد و انسانی و زندگی مستقل زیر یک سقف را عملی کرده اند.

نابرابری و تبعیض جنسی در قلب دنیای متمدن، در کشورهای غربی تحت عنوان "نسبیت فرهنگی" چشم پوشی و حتی تقدیس می شود. گویا زنان و دختران قربانی حکومت‌های اسلامی، خودشان این نابرابری را پذیرفته و انتخاب می کنند! این توهین بزرگی به ما و به کل بشریت است. حق زن، حق جهانشمول انسان است. مسلمان و غیرمسلمان و سیاه و سفید ندارد. عامل زن ستیزی و نابرابری زن و مرد، "فرهنگ مردم" نیست. نظام و سیستمی ست که از آن سود میبرد.

اگر برای یک روز، یک ساعت، زور و اسلحه و پلیس و زندان و اعدام را از سرجامعه ما بردارند، برابری طلبی مثل آتشفشان از عمق جامعه بیرون می زند.

رفقا و دوستان عزیز!

روزی می رسد و در یکی از روزهای 8 مارس زنان و مردان برابری طلب مملکت ما به دنیا اعلام خواهند کرد:

آپارتاید جنسی و همه قوانین تبعیض آمیز جمهوری اسلامی لغو می شوند.

حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زن و مرد یکی است.

اختیار و حقوق زن بر جسمش، بر خانواده اش، بر محیط زندگی اش و بر محیط کارش با مرد برابر است.

به امید روزی که نظام تبعیض و نابرابری سرمایه داران و بردگی مزدی کارگران پایان یابد. چرا که رهایی کامل زن در گرو رهایی طبقه کارگر است و رهایی زن، رهایی جامعه است.

شهره رضایی—8 مارس 2013

سازمان رهایی زن واحد آلمان- شتونگارت

Es lebe den 8. März, Es lebe die Freiheit und die Gleichheit

Der 8. März ist ein Protesttag gegen die Ungleichheit zwischen Frauen und Männern weltweit. Die besondere Ungleichheit im Iran bekommen nicht nur die mehr als 40 Millionen Frauen und Mädchen im Iran täglich zu spüren, sondern Hunderte Millionen von Frauen und Mädchen in allen islamisch geprägten Staaten leiden darunter.

Seit 34 Jahren ist in unserem Land, Frau zu sein, Grund genug, um dich mit religiöser Begründung zu erniedrigen und sich in deine privatesten Lebensbereiche, wie Partner-, Kleider- und Arbeitswahl einzumischen. Vor dem Gesetz ist die Frau nur halb so viel Wert wie der Mann. Sie wird als sein Besitztum angesehen. Häusliche und staatliche Gewalt gehören zu Tagesordnung.

Trotz der herrschenden Geschlechterapartheid im Iran setzen sich immer mehr Frauen mutig gegen diese unmenschlichen Verhältnisse zur Wehr. Ihre Ungehorsamkeit und Proteste gehören zu ihrem täglichen Leben. Insbesondere die jungen Frauen und Mädchen mißachten zunehmend die staatlich vorgeschriebene Kleiderordnung oder Geschlechtertrennung. Dies gehört zu einem Teil ihres ständigen Kampfes gegen die Regierung. Ihr Widerstand erfüllt uns mit Mut und Stolz. Andererseits ist er verbunden mit tragischen menschlichen Schicksalen. Denn dort erwartet die Frauenaktivisten und Menschenrechtlerinnen Gefängnisstrafe mit Folter und Auspeitschung, Vergewaltigung und gar Hinrichtung.

In den westlichen Ländern wird diese unwürdige Unterdrückung der Frauen im Iran mit dem Begriff „kulturelle Unterschiede“ verschleiert oder sogar verherrlicht. Als ob man jemals die Meinung der Frauen zu ihrer Ungleichheit gefragt hätte oder sie sich freiwillig dazu entschieden hätten. Das ist für uns Frauen nicht akzeptabel. Die Gleichheit zwischen Frauen und Männer ist ein universelles Menschenrecht.

Die Ursache der Ungleichheit oder Frauenfeindlichkeit hat nichts mit den kulturellen Unterschieden der Völker zu tun. Die Ursache der Unterdrückung liegt im gesellschaftlichen System, das davon profitiert.

Liebe Freunde und Mitstreiter

Heute rufen wir unsere Forderung der Gleichstellung von Männer und Frauen in die Welt hinaus und wünschen uns den Tag:

- an dem alle frauenfeindlichen Gesetze im Iran und weltweit abgeschafft werden,
- an dem alle bürgerliche, politische und soziale Rechte für Frauen und Männer gleichermaßen gelten.
- an dem die Frau selbst über ihren eigenen Körper, ihre Familie, Umwelt und die Arbeit frei und gleichberechtigt entscheiden kann.

Wir streben den Tag an, an dem, jegliche Diskriminierung abgeschafft und die Lohnungleichheit, ungerechte Kapitalverteilung auf der Welt beseitigt ist.

Ich denke: Die endgültige Befreiung der Frau ist nur mit der Befreiung der Arbeiterklasse möglich. Die Befreiung der Frauen ist die Voraussetzung für eine befreite, humane Gesellschaft.

Sharareh Rezai - Stuttgart 8. März 2013

Die Organisation der Befreiung der Frau aus Iran- Auslandsektion



گزارشی از برگزاری 8 مارس روز جهانی زن در آلمان-کلن "شراره رضایی"

روز شنبه 9 مارس ساعت 18، مراسمی به مناسبت روز 8 مارس در شهر کلن از طرف سازمان رهایی زن برگزار شد. در این مراسم که حدود 50 نفر زن و مرد حضور داشتند، آرش حسینی ضمن تبریک و گرمی داشت این روز و خوش آمدگویی به حضار و اعلام برنامه ها، سپس شراره رضایی سخنرانی با موضوع "علیه خشونت و تعرض جنسی به زنان" ارائه کرد، سپس بعضی از حاضرین در جلسه هرکدام از تجربیات و بحث ها و تبادل نظرهایی در خصوص وضعیت و مشکلات زنان و راهکارها و نظرات خود را درخصوص نوع مبارزه و تلاش برای مبارزه با نابرابری و خشونت بحث و تبادل نظر کردند.

پس از آن جلسه با صرف شام و موسیقی و رقص و شادی در ساعت 21 شب به پایان رسید.



متن سخنرانی:

8 مارس 2013 علیه خشونت و تعرض جنسی به زنان!

وقتی کلارازتکین یکی از رهبران سوسیالیست کارگران و جنبش رهایی زن، در دهه اول قرن بیستم، 8 مارس را روز جهانی مبارزه زنان اعلام کرد، هیچوقت به ذهنش نمی رسید که یک قرن بعد، زنان در اقصی نقاط جهان اجتماع می کنند و در مورد ابتدایی ترین حقوق زن یعنی حق آزاد زیستن و برابر زندگی کردن، حرف بزنند. به کتک زدن، خشونت روحی و جسمی و قتل و تجاوز و تحقیر و بی حقوقی زنان اعتراض کنند!

به این نمونه های گزارشات منتشر شده گوش کنید:

"اوا بریت سونسون" (eva baitt svenson) یک خانم سویدی و یک سیاستمدار است. او یکی از قربانیان خشونت خانگی است و می گوید: "بعد از بیست سال ازدواج، خشونت همسر من از حد دشنام فراتر رفت و با سیلی زدن شروع شد." به گفته او، شوهرش همه چیز از جمله حساب بانکی اش را کنترل می کرد. با وجودی که زنش یک سیاستمدار در پارلمان اروپا بود، می خواست بر او کنترل داشته باشد. او را به مرگ تهدید کرده بود. شوهر او مرده است. اما "اوا بریت" از ترس سخن می گوید که او را رها نمی کند. او می گوید: "پانزده سال گذشته است اما هنوز وقتی برای قدم زدن بیرون می روم و صدای کسی را در پشت سرم می شنوم که به سمت من می آید، اولین چیزی که به ذهنم می رسد اینست: آه، می ترسم. این اوست که در تعقیب من است و دومین فکری که می کنم این است که ولی من در سوئد نیستم، مثلاً در بروکسل هستم. و بعد فکر می کنم او که مرده است و علیرغم اینکه می دانم نباید بترسم، این حس ترس همیشه با من است."

طبق گزارش خبرنگاران، کشور سوئد که به برابری جنسی در جامعه خود افتخار می کند، هر سه هفته یک زن به دست نزدیکانش به قتل می رسد. می گویند، وقتی به پلیس زنگ زده می شود تا از کشته شدن یک زن توسط همسرش خبر بدهند، آنها این موضوع را یک تراژدی خانوادگی در نظر می گیرند، مثل اینکه قتلی اتفاق نیافتاده است. در همین کشور طی سال گذشته میلادی، 35 هزار مورد خشونت گزارش شده است. طبق گزارشهایی که منتشر شده اند، در کشورهایمانند اسپانیا، سوئد، پاکستان، آمریکا و روسیه، هریکساعت، یک زن به قتل می رسد. در مصر هر 30 دقیقه به یک زن تجاوز می شود. طبق برآوردها، از هر هفت زن در اروپا، یک نفر مورد خشونت خانگی شوهر، دوست پسر یا همسر سابق قرار گرفته است و در برخی از این موارد، آنها جان خود را از دست می دهند.

تازه این آن بخش از زنان را شامل می شود که جرات می کنند خبر بدهند، بقیه به خود می گویند، آه، من تنها نیستم مثل من فراوانند. باید با این وضع بسازم. گفته می شود، برای زنان بین پانزده تا 44 ساله خشونت خانگی و تجاوز از سرطان بدتر است تعداد زنانی که در اثر خشونت خانگی کشته یا مجروح می شوند بیشتر از زنانی است که به علت بیماری سرطان درمی گذرند. و این حقیقت تکان دهنده است که مثل اپیدمی در سطح بین المللی گسترش یافته است.

فراموش نکنید این گزارشات از کشورهای متمدن و پیشرفته دنیا امروز است.

وقتی این اخبار را در کنار خشونت نسبت به زن، قتل های ناموسی، تجاوز به زنان، تن فروشی شرعی (صیغه) در عراق، افغانستان، عربستان و کشورهای شیوخ عرب و در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بگذاریم، در کنار آپارتاید جنسی در ایران بگذاریم. و در کنار آخرین گزارشهای تجاوز به زنان در خیابانهای مصر و در اتوبوس در هندوستان و در پنجاب تجاوز به

به دختر 7 ساله و غیره بگذاریم، انسان از خود باید بی‌رسد: "این چه دنیایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم؟ آیا به نسبت زمانی که کلارازتکین از رهبران سوسیالیست آلمان و الکساندرا کولنتای بلشویک روسی، زندگی می‌کردند عقب نرفتیم؟ کولنتای در آن زمان (حدود 100 سال پیش) می‌گوید:

در آلمان حدود دویست هزار زن، عضو در اتحادیه‌های کارگری و صد و پنجاه هزار زن، عضو احزاب کارگری هستند، و در اطریش چهل و هفت هزار زن عضو اتحادیه و حدود بیست هزار نفر عضو حزب سوسیالیست هستند. همه جا، در ایتالیا، یوگسلاوی، دانمارک، سوئد، نروژ و سوئیس، زنان طبقه-ی کارگر در حال سازماندهی خود می‌باشند. ارتش زنان سوسیالیست تقریباً یک میلیون عضو دارد. یک نیروی قوی! نیروی که قدرت‌های این جهان باید به مطالباتش تن بدهند.

کجا است آن ارتش یک میلیونی زنان سوسیالیست که آن زمان تنها در چند کشور اروپایی وجود داشت و سازمان یافته بود؟ بقیه که را باید گرفت؟

ببینید، بورژوازی رباکار و دولتهای جنایتکارشان چگونه به پدیده خشونت و قتل و تجاوز به زنان نگاه می‌کنند. عجیب نیست که این اخبار هر روزه در مدیای بورژوازی، پخش و منتشر می‌شود؟ همه می‌شنویم که دولتهای حاکم و حافظ نظام نا برابر و مردسالار به قول خودشان مجرمان و قاتلان و متجاوزین به زنان را تعقیب و مجازات می‌کنند. حتی اعدام می‌کنند. کسانی را اعدام می‌کنند که پرورش یافته و قربانی همین نظام کثیف و نابرابر و ضد زن خود هستند.

اما مشکل ما زنان مشتی آدم عقبمانده و مریض و اسیر اسلام و شریعت که به زن تجاوز می‌کنند، نیست. پشت این رفتارهای حیوانی کوهی سنت و مذاهب و فرهنگ و نابرابری و عقده‌ها و آموزش‌های بورژوایی خفته است. بورژوازی خود عامدا این وحشیگریهای خارق‌العاده را برجسته می‌کند، تعقیب می‌کند و مجازات می‌کند تا خشونت نهادینه شده در جامعه سرمایه داری را لاپوشانی کند. تا خود را که مسبب چنین شرایطی است، پشت این وحشیگریهای نفرت‌انگیز مخفی کند.

پایه و اساس خشونت و تحقیر و تجاوز به حقوق انسانی زنان، کالا بودن زن است. زنان کارگر علاوه بر این که نیروی کارشان کالا است، به جسم‌شان هم مثل کالا نگاه و رفتار می‌شود. زن علاوه بر استثمار وحشیانه‌ی کار و یا بیکاری و یا کار بی‌اجر و مزد در خانه و خانواده به عنوان زن، کالایی است که باید به مرد لذت بدهد، وسیله‌ی تفریح و خوشگذرانی‌های کثیف مردان بورژوا قرار بگیرد. بورژوازی حتی برای تبلیغ و به فروش رساندن کالاهایش از بدن زن استفاده می‌کند و کمک می‌گیرد. دختران کارگران و زحمتکشان در کشورهای چینی، ایران و تایلند و روسیه و اروپای شرقی و افغانستان و غیره، باید گروه‌گروه برای لذتجویی شیوخ و بورژواها به کشورهای خلیج و اروپایی و به هتل‌های لوکس بورژواها سرازیر شوند و تن‌شان را بفروشند تا نانی به سفره خانواده‌شان اضافه کنند.

استثمار زنان کارگر در نظام سرمایه داری که بدترین نوع خشونت و یک نوع بردگی مطلق است، آشکار، عریان و بشدت بی‌شرمانه است.

ببینید،

- کار میلیون‌ها زن و دختر جوان و نوجوان بنگلادشی، چینی، پاکستانی و غیره با دستمزدی روزانه کم‌تر از یک دلار پشت ماشین‌های نساجی و چرخ‌های خیاطی لباسدوزی که کرور کرور سود سرمایه داران را تامین می‌کنند،

- دستمزد نابرابر در ازای کار برابر با مردان،

- بیکارشدن زنان بهر بهانه و تصمیم کارفرماها و سرمایه داران،

- کارخانگی بی‌مزد،

- نگه داری و گسترش کلیساهای و مساجد حتی در دل شهرهای اروپایی و چریدن ده‌ها هزار کشیش مسیحی و چندین برابر آن، آخوند و شیوخ مسلمان از نتیجه‌ی کار و رنج و خون طبقه کارگر در جهان که اولی‌ترین وظیفه‌شان ضدیت با زنان و حقوق انسانی‌شان است،

کالایی کردن تن زن برای خرید و فروش و در خدمت تبلیغ و فروش رساندن کالاهای سرمایه داران

- ...

همگی آن سیاست و سنت و فرهنگ بورژوایی بر ضد زنان است که در هیچ مدیایی منعکس نمی‌شود و هیچ بورژوایی به خاطر آن تعقیب و محاکمه و مجازات نمی‌گردد. آیا شنیدید تا کنون کشیشی به خاطر تجاوز به کودکان مجازات و یا اعدام شود؟

آیا این حقیقت ندارد که اعدام چند نفر مریض و تربیت شده همین سیاست‌ها و سنت و مکاتب و مذاهب بورژوایی مثلاً در هندوستان یا پاکستان و غیره، برای لاپوشانی حقایقی تلخ‌تر و دردناک‌تر است که بورژوازی پشت آنها قایم شده است؟

ریشه بی‌حقوقی زن، خشونت و قتل و تجاوز به زن را باید در همانجایی جستجو کرد که زنان سوسیالیست مثل کلارازتکین، روزالوکزامبورک، کولنتای و رفقاییشان دیدند. آن‌ها زنان کارگر و طبقه کارگر را برای چاره‌جویی به تلاش و مبارزه‌ی بی‌وقفه فراخواندند، سازمان دادند، اتحادیه‌های کارگری با رهبری کارگران سوسیالیست درست کردند و احزاب سوسیالیست سازمان دادند...

نباید اجازه داد، بورژوازی و نظام سرمایه داری با نابرابری و تبعیض و با مذاهب و مساجد و کلیساهایشان که بانیان نابرابری زن و خشونت و قتل و تجاوز به زنان هستند، پشت پروپاگاندا رباکارانه و اشک‌تمساح دولتهای بورژوایی و مرتجعین و مجازات‌تعدادی قربانی سیاستهای ضد انسانی و ضد زن خودشان، خود را قایم کنند. خشونت نسبت به زنان ریشه در **14 صفحه ی**

مالی و عاطفی دریغ نداشته و ندارند که این مطلب موید شعور زن ایرانی است .

نمونه بارز از جرات زنانه ایران علاوه بر وظایف مادری و همسر داری به دوش کشیدن پیکر بی جان عزیزانشان در طول ۸ سال جنگ تحمیلی و به خاک سپری آنان می باشد که با وجود شکسته شدن کمرشان در زیر بار ظلم و جنایت است . با غیرت بر سینه ی خود و مردانشان زدن و دوباره بر روی پاهایشان ایستادن همه این فداکاری ها شاهد تضییع حقوق زنان در جامعه هستیم من و دیگر زنان ایرانی تا پای جان در گوشه ی این جهان دیگر فریادمان را خفه نمیکنیم و تا بر اندازی قانونه مستبدانه حقوق زن در این راه ادامه میدهم .

عصیان زنان ایرانی:

در چند ساله گذشته به ویژه پس از جنگ ایران و عراق جمهوری اسلامی همیشه با معضل زیر بر نرفتن و عصیان رو برو بوده و همواره وجود این معضل عمیق اجتماعی را انکار کرده است . چرا ؟

به این دلیل ساده که عصیان و نافرمانی جوانان بهترین گواه ورشکستگی ارزش های اسلامی و نشانه روشن شکست تلاش های حکومت اسلامی برای جلوگیری از تهاجم فرهنگ غربی و بار آوردن نسلی مطیع و سر بزیر از جوانان بوده است .

این عصیان مظهر شکست آشکار رژیم اسلامی در تثبیت سیاست یا روسری یا تو سری و پیاده کردن الگو زنانه ایرانی و دینی خود به ضرب وحشیگری خواهران زینبو ماموران نهی از منکر است . مساله عصیان و فرار دختران چنان حاد شده است . که نهادهای مختلف جمهوری اسلامی را نه تنها ناچار از اطراف به این مساله اجتماعی کرده است . بلکه برای دستگیری یا نگهداری از آنها اماکنی به نامهای بهزیستی و مراکز اصلاح تربیت ایجاد کرده است اصلی ترین عامل گریختن و عصیان آنها میشود . فشار اخلاقیات سنتی و کنترل بی حدوحصر اجتماعی در جامعه مدرسه و خانواده نه آنهاست این زنان از اخلاقیات مرد سالارنه و سنتی و خشونت در جامعه و خانواده برای خلاصی از این فشار ها و دست پاچگی به فضای آزادانه برای زندگی می گریزند . پیام و فریاد عصیان آنها بی زاری از سنت اسلام و عقب ماندگی و عطش برای آزادی است در حالی که جمهوری اسلامی سعی کرد مادران این نسل را به ضرب روسری یا تو سری به گوشه ی خانه ها برند و البته با خود آگاهی و مقاومت و سعی روبرو شده برای آنها پی حجابی سنبل آزادی زن از چنگ تعصب و خرافات است . در صورتی که زنان مورد آذر و شکنجه جنسی و سنگسار و خشونت قرار میگیرد .



مرد و زن ایرانی
اعظم رضایی

از آنجا که اکثرا اندیشه ی مرد ایرانی بسته بوده و استبداد در جز جز بدنه ی این جامعه ریشه در آورده و مردان آن را در غلبه تعصب و تبعیت از قانون مرد سالار آن را در چهار چوب و راستای زندگی خویش و چهره ی جامه قرار دادن . و این جز استبداد مطلقه و استقرار نظام مرد سالار هیچ چیز دیگری نمیتواند باشد در حالیکه در هیچ برهه ی زمانی زنان چه با وجود استبداد و تعصب از جانب مردانشان و چه بدان ان از هیچ گونه کمک جانی و

فرار از مذهب در ایران
اعظم رضایی

اگر به رفتارهای اجتماعی و روابط عام در جامعه امروز ایران نگاه کنیم، برخلاف آنچه تصور میشود که جامعه، رو به سوی مدرنیته فرهنگی و اجتماعی پیش می رود به جرأت می توان گفت طرز تفکر و تلقی جامعه از رفتارهای اجتماعی و جنسی که امروز در جوامع دیگر امری عادی محسوب میشوند، هنوز در گیر و دار قواعد دست و پاگیر و آموزه های عرفی و مذهبی آنچنان گره خورده که تنها با یک حرکت بزرگ و خودجوش، رهایی از آن ممکن است. مذهب یعنی حکومت قوانینی که بشر قادر به چون و چرا در آن نیست. مذهب یعنی حکومت بر بشریت بی حق. مذهب یعنی اعمال خشونتبار و قوانین پوسیده و ضد انسانی بر کوچکترین زوایای زندگی اجتماعی و شخصی انسانها. مذهب یعنی لگدمال کردن خونبار ابتدائی ترین حرمت های فردی و اجتماعی بشر یعنی اعمال آپارتاید جنسی، سرکوب ابتدائی ترین خواسته های نیمی از جامعه بچرم زن بودن است. مذهب امروز دستگاه بردگی قرون وسطائی کارگران برای پر کردن جیب سرمایه دارهای اسلامی است. جامعه ایران از تنفر متراکم شده است به سبب خشونت های چند لایه و پیدا و پنهانی که حکومت جمهوری اسلامی علیه مردم می ورزد؛ ستمی که بر زنان، جوانان، نویسندگان، روزنامه نگاران، هم جنس گرایان، مهاجران و دیگر گروه های سرکوب شده جامعه می رود بذر کینه را در دل جامعه ایران می پروراند.



با در نظر داشتن نقش و نفوذ دین و یا ضدیت با دین (بی دینی) در ذهنیت حاکم بر جامعه و افق و خواسته های نسل جوان امروز کاملاً متفاوت است. مذهب را با تمام زوایا و مختصاتش می شناسد؛ آنرا خوانده است اما نه برای آنکه اعتقادش به آنرا محکم کند؛ خیر برای اینکه به زمین بزندش. با هر بار مراجعه مجدد به مذهب آنرا بلند می کند و با شدت بیشتری به زمین میکوبد. این نسل دنبال آزادی و برابری و انسانیت است و راهش با مذهب و دین جداست. جوانان این جامعه در قرن ۲۰ و ۲۱ به دنیا آمده در دنیای ارتباطات و اینترنت و ماهواره و این قانون و حکومت را که بر پایه و اساس قرآن و احکام پوسیده و ارتجاعی بوجود آمده است را نمی خواهد. ضدیت این نسل جوان با مذهب در تمام جوانب زندگی اجتماعی و فردیش است، نگرشش به خودش، جهان پیرامون، به جنس مخالف، به معیارهای اجتماعی و به دنیای ایده آلهش هم، امروز زنگی ضد مذهبی دارند. این نسل از جوانان به این اعتبار، بشدت روند رو به رشد ضد مذهبی شدن دارند. فاکتور جنبش عظیمی که علیه جمهوری اسلامی در جریان است را باید به کل این بحث اضافه کرد. این تحرک عظیم اجتماعی که رژیم اسلامی را در منگنه قرار داده است، به این جنبش مذهبی امکان می دهد. ضدیت با مذهب را از دامنه عمل فرد خارج و مسئله جامعه تبدیل می کند انسان های متحد احساس قدرت غیر قابل توضیفی می کنند. خود این صورت مسئله اجتماعی مبارزه ای برای سرنگونی رژیم اسلامی، احساس قدرتی عظیم برای مبارزه با مذهب را به جوانان می داده است. سرنگونی جمهوری اسلامی دروازه های را علیه مذهب می گشاید..

ادامه ی صفحه 12- متن سخنرانی 8 مارس درکلن - شراره رضایی

نیات و بدذاتی مردان منفرد نیست. در فاسد بودن و روحیه ی حیوانی چند نفر در مصر یا هندوستان و ایالت پنجم نیست... که با اعدامشان دیگر قتل و تجاوز به زن از بین برود. باید ریشه و بانی و مسبب استثمار مضاعف زنان کارگر، درجه دو بودن زن و تحقیر و بی حرمتی به زنان در استفاده کالایی از بدنشان... را از بیخ و بن خشکاند. باید نظام نابرابر، ضد زن و سنن و فرهنگ کالایی و تجارتي و غیرانسانی سرمایه داری و با مذاهب و ادیانش را به زیر کشید و جامعه را از وجود فاسد و جنایتکارانه اش پاک کرد.

اجازه بدهید در خاتمه بگویم که دنیا در مقابل جنایات سرمایه داری نسبت به زن ساکت ننشسته است. اعتراضات توده ای زنان در هندوستان و پاکستان و مصر و تونس و اعتراض توده ای زنان در روز والتاین در جهان به مذاهب و قوانین سرمایه دارانه و فرهنگ فاسد و تجاری و کالایی بورژوازی در نگاه به زن، در مبارزات سه دهه زنان و دختران جوان در ایران علیه نظام آپارتاید جنسی و... همه و همه نشان داده اند که زنان زیر بار این شرایط نابرابر و خشونت ها و تحقیر و تجاوز به حقوقشان نمی روند. اما باید این حقیقت را هم تاکید کرد که این مبارزات و اعتراضات و نفرت ها و کینه های ده های میلیونی زنان به رهبران سوسیالیست و کمونیست چون کلارا زتکین، کولنتای و روزا لوکزامبورگ احتیاج دارد. جنبش زنان اگر بخواهد یک قدم جلوتر برود و به کم تر از آزادی و برابری کامل و بی قید و شرط رضایت ندهد و از پای ننشیند، به رهبری زنان سوسیالیست بویژه در میان زنان کارگر نیاز دارد.

جنبش رهایی زن به مبارزه طبقاتی کارگران زن و مرد نیاز دارد که علیه سرمایه داری و نظام تا مغز استخوان فاسد آن که تمام اهدافش، تامین سود نجومی سرمایه اش به قیمت درد و رنج و خون طبقه کارگر و به قیمت عقب راندن زنان نصف انسانهای جوامع بشری امروز است، بپا خیزد. نابرابری و خشونت و به عقب راندن زنان، قبل از هر چیز و هر کس ضرری مستقیم به طبقه کارگر است. به همین دلیل مساله زن و برابری زن و مرد و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری و مردسالاری و خشونت و تحقیر و به حاشیه جامعه رانده شدن زنان، امر و مساله طبقه کارگر است.

زنده باد برابری زن و مرد، زنده باد سوسیالیسم
شراره رضایی - 9 مارس 2013، واحد کلن-آلمان



دانشگاهها و محل کار و اماکن عمومی همه و همه نشان دهنده این است که جمهوری اسلامی نه تنها نخواست با الحاق به این کنوانسیون از تبعیض علیه زنان بکاهد بلکه دائما در تلاش بوده تا با اتکا به قوانین الهی و آپارتاید جنسی نقش کلیدی زنان را در عرصه ها ای علمی و اجتماعی انکار کند.

آنانی که به عنوان حقوقدان و اسلام شناس در دیوان عالی قضائی و شورای نگهبان و دیگر ارگان های رژیم براریکه قدرت تکیه زده اند اکثرا کسانی هستند که کمترین حقی برای مردم قائل نیستند و اسلامشان را تنها بوسیله ای برای داشتن ریش و بدست گرفتن تسبیح و صیغه و مناجات و دزدی و پر کردن جیب های گشادشان از دسترنج مردم ایران تبدیل کرده اند. در واقع عضویت جمهوری اسلامی در کنوانسیون رفع تبعیض کوچکترین مشروعیتی ندارد و اگر معیارهای حقوقی خاصی بر این کنوانسیون حاکم بود می بایست جمهوری اسلامی را بجرم زن ستیزی از عضویت در آن اخراج می کردند.

رهبران جمهوری اسلامی بر موجی از نفرت و بیزاری مردم از اسلامشان و از حکومتشان و از قوانین قرون وسطائی نشسته اند که دیر یا زود این نفرت عظیم مردمی به آتشی تبدیل خواهد شد که مردم سوخت آن را نه از نفت هیزم و غیر بلکه از عبا و عمامه آخوند تهیه خواهند کرد. به همین دلیل به همه آخوندها توصیه می کنم تا دیر نشده ابا و عمامه شان را عوض کنند، ریشهایشان را بتراشند و تسلیم مردم شوند اگر نه سرنوشتی بهتر از سرنوشت صدام حسین و حسنی مبارک و قذافی پیدا نخواهید کرد.

گیرند همه همه نشان بی ارزشی زن در جوامعی است که تحت حاکمیت حکومت های اسلامی اداره می می شود و جمهوری اسلامی در ایرانی از جمله ظالم ترین و از کثیف ترین آنهاست.

زیرا جمهوری اسلامی برای اولین بار در سال ۱۳۷۵ با پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض و شکنجه علیه زنان، این تصور را در ذهن همگان ایجاد کرد که نابرابری میان زن و مرد در ایران وجود نخواهد داشت. اما با این حال و با تمام بحث های که در این مورد وجود داشته است، ولی متأسفانه زنان در ایران نه تنها درمورد بدست آوردن حق و حقوقشان به نتیجه دلخواه خود دست نیافته اند، بلکه در لا به لای ایدئولوژی های اسلامی و روحانیون حاکم بر ایران محکوم گشته و زنان هرگز اجازه نداشتند در ذهن کژاندیششان نقش واقعی و تاریخی خود را ایفا بکنند و در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هنری خلاقیت های خود را نشان دهند. اما خوشبختانه علیرغم این همه تحمیل تبعیض و نابرابری به زنان از سوی جمهوری اسلامی، در جامعه امروزی و پرتحول ایران زنان نقش بسیار مهمی و کلیدی در مبارزه علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی داشته اند و به عناوین مختلف در مقابل سنت ها و افکار و فرهنگ و تحمیل شئونات اسلامی ایستادگی کرده اند. این سرکوب ها و عملا قانونی کردن آپارتاید جنسی و تفکیک جنسیتی در مدارس و



جایگاه زن در جمهوری اسلامی

شیرین شکر زاده

به راستی جایگاه زن در یک نظام اسلامی فاشیستی بنام جمهوری اسلامی چگونه است؟ آیا زنان در این نظام اساسا از ارزشها و حرمت انسانی برخوردار هستند؟ زن جوانی که بخاطر حفظ حرمت انسانی خود با حکم دادگاه بدوی و تایید دیوان عالی کشور به اعدام محکوم می شود، و یا زن متاهلی یکه فقط به دلیل رابطه خارج از ازدواج محکوم به سنگسار و مجازات مرگ می شود، هزاران دختر و زنان جوانی که در طول سال فقط بدلیل نوع لباسشان و بیرون بودن مویی سرشان و نوع آرایششان در خیابانها و معابر و اماکن عمومی مورد ضرب و شتم و جریمه و بازداشت و شلاق قرار می -

به سازمان رهایی زن پیوندید

Tel: ۷۰۴۹-۹۲۸(۳۱۰)۱

Fax: ۸۶۳۳-۷۵۴(۷۱۷)۱

www.RahaiZan.org

WWW.rahaizan.org

نشریات را از این سایت دریافت کنید

از سایت رهایی زن دیدن کنید،

زن عشق می‌کارد، کینه درو می‌کند. دیه اش نصف دیه یی توست و مجازات زناپش با تو برابر، میتواند تنها یک همسر داشته باشد و تومختار به داشتن چهار همسر هستی و بی نهایت صیغه. طبق ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده، پیشنهادی از سوی دولت، تصریح شده حق اجازه همسر اول در ازدواج مجدد مرد، از زن سلب شده و صدور ازدواج مجدد مرد صرفاً منوط به تمکن مالی مرد و تعهد اجرائی عدالت عنوان شده است. واینک این سؤال به وجود می‌آید، برابری جنسیتی چیست؟ برابری جنسیتی بدان معناست که زن و مرد، حقوق و وظایف یکسان دارند و همه از فرصتهای مساوی در جامعه برخوردار هستند. همچنین برابری جنسیتی مربوط به عدالت و تقسیم مسؤلیتها نیز میشود، هم در خانواده و هم در جامعه. اگر جنسیت مانع از آن شود که ما نقاط قوت و ضعف خود را ببینیم، این امر میتواند به تبعیض و فرصتهای محدود برای فرد منجر شود.

از نخستین قانون مَدَوَن علیه زنان تا کنون نزدیک به ۸۰ سال می‌گذرد و زنان تا امروز در چالش مداوم با قوانین تعدد زوجات هستند و اکثراً هم قربانیان آن. لغو تعدد زوجات یکی از خواسته‌های مطرح شده توسط سازمانهای فعال در امر حقوق زنان میباشد. اصلاً چرا قانون تعدد زوجات و چرا این قوانین تا به این حد زن ستیز و پر ابهامند؟ جواب این سؤالات کجاست، اصلاً چه کسی پاسخگویی آن است؟ نقش چنین قوانینی در ایران به هیچ روی قابل انکار نیست و قوانین خانواده به مراتب نقش مهمتری در سرنوشت خانواده و به ویژه زنان خانواده ایفا میکند.

برای مثال، مبارزه با قانون تعدد زوجات که پیشتر به آن پرداخته شد، بر اساس این قانون به مرد اجازه داده میشود چهار زن عقدی و بی نهایت زن صیغه ای داشته باشد. ترس و نگرانی زنان در ایران از وجود قانونی که به شوهرانشان اجازه میدهد بر سرشان هوو بیاورند، آنها را وادار به اندیشیدن و موضع گیری در برابر قانون کرده است. قانونی که هنگام نوشتن آن قلب ما زنان را ندیده بودند. مخالفت با این قانون از سوی زنان به این معنا نیست که مثلاً آنها میخواهند چند شوهر داشته باشند. این شرح حال بسیاری از زنان ایران است؛ به دنیا آمدن تا چشم باز کردم شوهرم دادند صاحب چند فرزند شده ام ... باید توهین و تحقیرهای شوهرم را تحمل کنم، کتک بخورم و دم بر نیآورم چون نصف مرد به حساب می‌آیم. زنان در موارد بسیاری به مقاومت در برابر این قانون پرداخته اند گرچه این مقاومتها در بسیاری از موارد به واسطه قوانین مردانه حاکم بر ایران گره ای از مشکلات زنان نگشوده است و نظام نکبت بار جمهوری اسلامی، زنان را تنها و دردمند رها کرده است. در مواردی هم زنان با اطلاع از ناتوانی خود و عدم وجود قوانین حمایتی برای زنان و تبعات ناشی از طلاق برای یک زن در جامعه، همواره برای احقاق حقوق پایمال شده اشان مبارزه کرده است.

در واقع قانون به صورت دستاویزی برای هوسرانی های مردان در آمده و کارکردی را که قانونگذار ادعای آن را دارد از دست داده است. گذشته از تاثیر قانون بر زندگی زنان همین قانون بر زندگی دیگر افراد خانواده که مهمترین آنها کودکان هستند اثر مخربی دارد اثری که هرگز قابل چشم پوشی نیست و منشأ بسیاری از آسیبهای اجتماعی است که نظام جمهوری اسلامی کماکان سعی بر کمرنگ جلوه دادن آن داشته است. وجود قوانین یک جانبه دیگری هم چون حضانت فرزندان و همچنین فضای عرفی و زن ستیز باعث شده گاهی زنان برای پیشگیری از این آسیبها خود را قربانی چنین وضعی کنند و چه قصه هایی از زنان و رنج هایشان که همیشه ناگفته و نانوشته میماند این تنها گوشه ای از واقعیت های تلخ زندگی زنانی است که قربانی چنین قوانین زن ستیز و مرد سالاری میشوند. بدون شک بر اثر این قوانین یک جانبه خشونت های خانگی گسترده و آسیب های روحی و جسمی زیادی به زنان وارد میشود که گاه حتی حاضر به سخن گفتن از آن نیستند و آن را مختص به چهار دیواری خانه خود میدانند خشونت هایی چون ضرب و شتم و تهدید به جدا کردن آنها از فرزندان شان در صورت عدم تسلیم در برابر وضعیت جدید و پیامدهای روان شناختی ناشی از آن ظلم مضاعفی بر زنان وارد میکنند و لزوم تغییر قانون را بیش از پیش آشکار میسازد. به رغم اینکه تک همسری طبیعی ترین شکل زندگی زناشویی است قانون مدنی ایران به صراحت حق چند همسری برای مردان قائل شده است و از این طریق عبارت کلیشه ای چهار زن عقدی و بی نهایت زن صیغه ای را رسماً عینیت بخشیده است همه اینها دلایل فرار زنان از ایران و مبارزه چندین ساله آنهاست علیه بی حقوقی زنان و زن ستیزی جمهوری اسلامی/.

گزارشی از کنفرانس "خاتمه دادن به ختنه دختران" نظیره معماری



در روز 28 فوریه 2013 در شهر لندن انگلستان کنفرانس بزرگی از طرف سازمان دفاع از حقوق زنان ایرانی و کرد (IKWRO) با همکاری سازمان forward برگزار شد. در این کنفرانس حدود 300 نفر شرکت داشتند و 19 سخنران در زمینه های مختلف راجع به مساله "خاتمه دادن به ختنه دختران" سخنرانی کردند.

مساله ختنه زنان کما کان یکی از موضوعات مهم در بسیاری از کشورهای به اصطلاح جهان سوم و در کشورهای اروپایی است. متأسفانه به دلیل سیاست های نسبیست فرهنگی همچنان بسیاری از دختران خردسال قربانی این عمل شنیع هستند که از طرف خانواده هایشان صورت میگیرد. قوانین سنتی و مذهبی رایج در میان این بخش از مردم حتی در کشورهای متمدن و دارای قوانین پیشرفته تر در دفاع از حقوق های فردی و اجتماعی امکان بروز میابد و زندگی در این چنین کشورهای برای این بخش از دختران خردسال و زنان آینده که در چنین خانواده هایی هستند به معنی امنیت نیست. ختنه دختران تنها یک آزار جسمی و شکنجه نیست، یک محرومیت انسانی و اجتماعی برای زنان است. این جرم و جنایت بر علیه دختران خردسال و زنان است. قانون در کشورهای "متمدن" در برابر این جرم و جنایت ساکت نیست اما در برابر قوانین سنتی و فرهنگ "خودی" ناتوان است. ختنه دختران تعرض به وجود زنان، موقعیت زنان و حقوق طبیعی آنهاست و موقعیت اجتماعی و انسانی را همواره تهدید میکند. ابعاد مبارزه و تلاش برای از بین بردن این پدیده ضد زن و ضد انسانی در این کشورها و در هر جایی که این جنایت صورت میگیرد بسیار گسترده است.

در ادامه چنین اعتراضی و برای مقابله با این نوع از خشونت و جنایت بر علیه زنان، کنفرانسی تحت عنوان "خاتمه دادن به ختنه زنان" در لندن حدود 300 نفر از فعالین سازمانهای بر علیه خشونت زنان و علاقمندان به این فعالیت ها شرکت داشتند. شرکت کنندگان در این کنفرانس از مناطق مختلف انگلستان و ایرلند و سازمانهای دولتی و غیر دولتی که بر علیه خشونت زنان فعالیت میکنند بودند. بیشتر جمعیت را افراد صاحب نظر و متخصص این مساله و مساله دفاع از حقوق زنان تشکیل میدادند. سخنرانان از صاحب نظران و افراد با تجربه در زمینه دفاع از حقوق زنان بودند که از کشورهای مختلف آمده بودند. مدت کنفرانس یک روز بود و در این کنفرانس 19 سخنرانی صورت گرفت. همه سخنرانان در زمینه تخصص و تجاربی که خود داشتند در مورد مسایل مختلف راجع به ختنه زنان از جمله: قانون و ختنه، تحقیقات انجام شده و امارهای ختنه در کشورهای مختلف، تحقیقاتی در این مورد که به پارلمان اروپا برای گذراندن قانون در مورد ممنوعیت ختنه ارائه شده بود، تاثیر ختنه بر زنان، مساله بهداشت و ختنه، محرومیت های زنان بعد از ختنه، مساله پناهندگی این زنان و قوانین پناهنده پذیری در مورد زنان ختنه شده، تشریح وضعیت زنان ختنه شده از سوی برخی از آنها در کنفرانس، سخنرانی داشتند. در کنفرانس همچنین فیلم و اسلاید هایی از ختنه دختران به نمایش گذاشته شد.

سخنرانان در این کنفرانس عبارت بودند از: Jane Ellison نماینده پارلمان از انگلستان، پرفسور Lisa Avalos محقق از دانشگاه جرجی تاون واشنگتن دی سی، دکتر Els Leye محقق از دانشگاه جنت بلژیک، Anne-Marie Hutchinson وکیل و متخصص در مسایل حقوق خانواده، Efu Dorkenoo رئیس برنامه ختنه زنان در سازمان "برابری هم اکنون"، Fadeal Novak نماینده سازمان ملل در اروپا، Debora Singer از بخش تحقیقات و خط مشی سازمان کمک به پناهندگان در انگلستان، Rosalind Bragg مدیر سازمان خیریه در باره بارداری و زایمان، Jane Hobson مشاور پیشرفت های اجتماعی بویزه در زمینه ختنه زنان، Jane Miller از سازمان اهداف توسعه هزاره، مدیر بخش مناطق آفریقایی در رابطه با بهداشت و آموزش، Hannah Bucklay از وزارت کشور انگلستان، Arvid Vormann هماهنگ کننده پروژه Wadi، Naana Otoo-Oyortay مدیر اجرایی سازمان Forwarad، Diana Nammi رئیس سازمان دفاع از حقوق زنان ایرانی و کرد، Layla Ismail نماینده سازمان فوروارد از شهر بریستول انگلستان، Shukri Abdulkadir مسئول پروژه جوانان سومالی در هلند، Eva Kultus مدیر خانه امن پاپاتیا در برلین، Mino Hemati رئیس سازمان رهایی زن، Sioned Churchill از سازمان تراست لندن، دکتر Sohier Elneil و مدیر سازمانی فوروارد، Tess Woodcraft مدیر سازمانی IKWRO

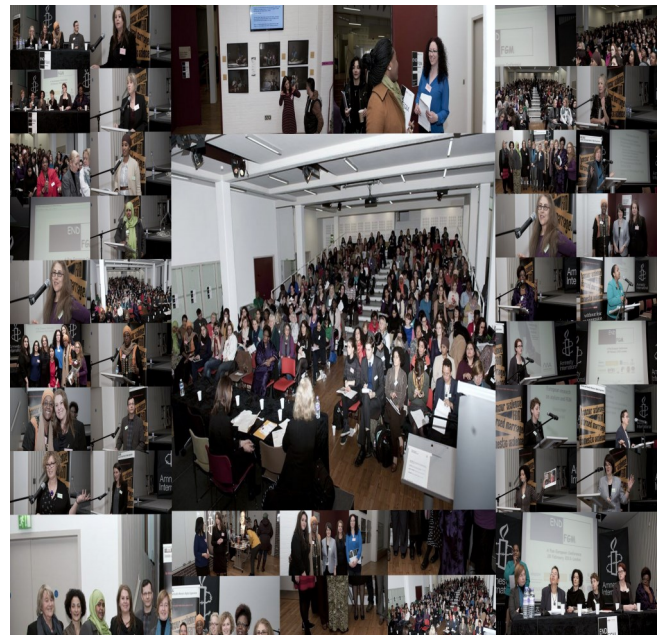
برخی از سخنرانی ها در مورد ارائه آمار و ارقام های موجود در زمینه ختنه دختران خردسال در مناطق مختلف آفریقا و خاورمیانه بود. این آمارها نشان میداد که در چهار نوعی که از ختنه وجود دارد تقریباً هر ساله سه میلیون دختر در 28 کشور جهان ختنه میشوند. آمار نشان میدهد که در انگلستان حدود 24000 دختر زیر پانزده سال در معرض تهدید به ختنه از سوی خانواده هایشان هستند و در حالی که در این کشور عمل ختنه غیر قانونی است اما این قربانیان بعضاً به کشورهای آفریقایی و آسیایی بردع میشوند و در آنجا ختنه میشوند.

کنفرانس "خاتمه دادن به ختنه زنان" تلاش و فعالیت وسیعی بر علیه جنایت ختنه بود. نقش و جایگاه این کنفرانس بطور قطع ماندنی است و میتواند در دامن زدن به مبارزه بر علیه ختنه دختران بویزه از طریق شبکه ارتباطی گسترده ای که بین این

فعالین و سازمانهای مختلف شرکت کننده ایجاد کرد موثر باشد. همانطور که اشاره شد برگزار کننده این کنفرانس سازمان دفاع از حقوق زنان و ایرانی و کرد بود که با همکاری سازمان فوروارد چنین کاری را ممکن کرد. فوروارد سازمانی است که در کشورهای افریقای در مورد مساله ختنه زنان تجارب و فعالیت زیادی دارد. سازمان دفاع از حقوق زنان ایرانی و کرد (IKRWO) هر ساله اقدام به برگزاری کنفرانس و تجمعات مختلفی در سطح انگلستان و بعضا اروپا در زمینه های مختلف حقوق و دفاع از حقوق زنان میکند. مارس 2013

Nmehmari@gmail.com

گزارش تصویری از کنفرانس علیه ختنه دختران



تجمع خانواده کارگران بازداشتی در سنندج - دوشنبه 12 فروردین 1392

کمیته ی هماهنگی تشکل های کارگری: طبق خبر دریافتی روزهای 10 و 11 فروردین، خانواده های فعالین کارگری بازداشتی و جمعی از مردم در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته ی هماهنگی در مقابل دادگاه انقلاب سنندج حضور پیدا کردند و خواهان آزادی عزیزانشان شدند.



نیروهای امنیتی و انتظامی با حضور در محل تجمع و تهدید آنان از تجمع کنندگان خواستند تا به این تجمع پایان داده و آنجا را ترک کنند؛ اما با بی اعتنائی حاضرین رو برو شدند و در نهایت چند نفر از حاضرین به عنوان نماینده با دادستان کل آقای جواهری ملاقات کرده و وی نیز به نماینده ها وعده داد تا پایان تعطیلات که 16 فروردین می باشد تحقیقات در باره پرونده بازداشت شدگان را به اتمام برسانند.

“جهاد النکاح”؛ استفاده جنسی از زنان تونس در میدان جنگ

سوریه-13 فروردین 1392 - رادیو فردا

زمانی که با خودسوزی جوانی کارگر در کشور تونس، موجی از اعتراضها و انقلابها منطقه خاورمیانه را فرا گرفت، تحلیلگران سیاسی از تلاش مردم برای دست یافتن به زندگی بهتر سخن گفتند. مردم و از جمله زنان در کشورهای مصر، تونس و لیبی به خیابانها آمدند و در تغییر حکومتها مشارکت کردند. اما، بیش از دو سال پس از آغاز این مبارزهها خبرها حاکی است که بهار عربی تغییرات زیادی را در زندگی زنان منطقه ایجاد کرده است. از جمله از تونس خبر می‌رسد که تندروان افراطی و مذهبی دختران و زنان مطلقه تونس را به «جهاد نکاح» در سوریه تشویق می‌کنند.



این تندروان مذهبی از دختران و زنان مطلقه می‌خواهند تا نیازهای جنسی مجاهدان در سوریه را برآورده سازند و به بهشت بروند. این افراطیون مذهبی نام این جهاد را «جهاد نکاح» گذاشته و با این روش دختران تونس را به کشور جنگ‌زده سوریه اعزام می‌کنند.

این دعوت در حالی صورت می‌گیرد که روز ۹ می ۲۰۰۷ قانونی در تونس صادر شد که بر پایه آن حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران ۱۸ سال است. این قانون هر ازدواج پیش از این سن را از لحاظ قانونی باطل می‌داند.

تفکیک جنسیتی در مدارس غزه - 14 فروردین 1392 - خبرگزاری فرانسه

حماس اعلام کرد که از این پس در نوار غزه دانش‌آموزان دختر و پسر از نه‌سالگی به بعد می‌بایست در مدارس دخترانه یا پسرانه تحصیل کنند. مطابق این مصوبه مانند ایران، آموزگاران مرد در مدارس دخترانه و آموزگاران زن در مدارس پسرانه به کار گمارده نمی‌شوند.

ولید مظهر، وزیر آموزش و پرورش در نوار غزه گفت: «سمینارها و کنفرانس‌های متعددی پیرامون این موضوع برگزار کرده‌ایم. همه کارشناسان بر سر این موضوع توافق داشتند که بهتر است دختران و پسران از نه‌سالگی به بعد از هم جدا باشند.

انجمن‌ها و تشکل‌های مدافع حقوق زنان در نوار غزه اما به تفکیک جنسیتی در مدارس غزه معترض‌اند. زینب الغنیمی، یکی از فعالان حقوق زن بر آن است که تفکیک جنسیتی در مدارس پیش‌درآمدی است بر اسلامی کردن همه نهادهای اجتماعی در نوار غزه. تفکیک جنسیتی در مدارس مسیحیان نیز اعمال می‌شود.

برای همکاری با سازمان رهایی زن میتوانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**
تلفن تماس: 858-531-1344
ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com
Location: 5240 fiore TER #213
San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511
ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

استکهلم: **بری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: rahai_zan@yahoo.com

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس: 004915782585249

ایمیل: Shararehrezaei.p@gmail.com



تلویزیون رهایی زن

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت تهران و باز پخش، شنبه ها 17:30 به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

مینو همتی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و معضلات زنان در ایران و خارج از ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.